

هدف تعیین ناپدید سیاست امریکا شکستن انقلاب ایران است

شکستن انقلاب ضد امریالیستی و خلقی ایران، برقراری مجدد سلطه بر کشور ما، از پس گرفتن «بهشت گمشده»، هدفی است که دولت ایالات متحده آمریکا از همان فرای سقوط رژیم شاه مخلوع در برابر خود نهاده و اگر سایر روس و نس وزیر خارجه آمریکا، از «تدارک برنامه‌های جدیدی» در مورد حل بحران مناسبات آمریکا با ایران سخن میگوید، درواقع منظور او تدارک توطئه گریبای و سیمتر، افسرد فشار اقتصادی بیشتر، تجدید به تجاوز نظامی گستاخانه‌ای است که امکان اجرای آنها با مشاهده جوی که در ایران بسود تشدید فعالیت ضدانقلاب فراهم می‌شود، و سیاستی که ایران را در سخته بین‌المللی به‌انزوا و انفراد میکشاند، از نظر کاخ سفید، بیشتر از گذشته، بوجود آمده است.

مادیتنگ کارتر - سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا - می‌گوید که:

«با شکست کمیسیون تحقیق سازمان ملل در حل مسأله گروگانها، راه‌های دیگری، از جمله اعمال مجازات اقتصادی علیه ایران مورد بررسی قرار خواهد گرفت».

بگفته او: «برخی گزارشهای خبری که طی آنها گفته میشود آمریکا احتمال استفاده از زور علیه ایران را رد کرده است، در واقع نظرات دولت آمریکا را به نفع نادرستی تفسیر کرده‌اند... من احتمال استفاده از نیروی نظامی را رد نکرده‌ام».

بدینسان دو وسیله، یکایراد فشار اقتصادی و دیگری تجدید به تجاوز نظامی، که در یکساله گذشته برای شکستن انقلاب ایران موثر واقع نشدند، اینک از نظر طراحان سیاست آمریکا میتوانست موثر واقع گردند و اگر چیزی جدیدی است، همین‌آید به تاثیر کاربرد این وسائل است. وسیله سوم توطئه ضدانقلابی است که با انتقال شاه مخلوع به



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۱۹۹
یکشنبه ۱۰ فروردین ماه ۱۳۵۹ - شماره ۱۵۰۰ ریال

ماهشدار می دهیم: اویسی جلاد به ایران می آید!

بقرار اطلاع، اویسی جلاد، نوکر شاه مخلوع و چاکر امریکای جهانخواهر امروز از راه کردستان به ایران می‌آید تا بدستور ارباب بزرگ و ارباب کوچک، فعالیت ضد انقلابیون را در ایران هم-آهنگ سازد.

بدنبال انتقال شاه مخلوع به مصر و سفر بختیار خانی به بغداد، قصد اویسی برای ورود به ایران زنگ خطر دیگری است که می‌باید همه مردم ایران و همه مسئولان دولت جمهوری اسلامی ایران را بعداعلی هشیار و آماده مقابله با توطئه‌های ضد انقلاب کند.

... و امریکاییها نمیبینند؟!!

توده ایران مصور



امریکایی‌ها می‌آیند؟ نه، ناوهای امریکا در خلیج فارس هستند؟ نه، شاه مخلوع برای رهبری ستاد ضد انقلاب به مصر آمده است؟ نه، شاپور بختیار خانی در بغداد است؟ نه، اویسی جلاد در راه ایران است؟ نه، امپریالیسم توسط اسرائیل، عراق، ترکیه، مصر، عمان، عربستان، پاکستان ایران را محاصره کرده است؟ نه، کارتر و یارانش ایران را به حمله نظامی تهدید می‌کنند؟ نه.

پس این کیست که می‌آید؟ - توده‌ها می‌آیند. این نتیجه‌ایست که روزنامه جمهوری اسلامی، در خطر ناگزیرین لحظات تاریخ انقلاب ایران، که امپریالیسم آمریکا و ضد انقلاب داخلی در کار توطئه‌ای بزرگند، به آن رسیده است.

این نتیجه گیری بود کیست؟ محتوای واقعی این نتیجه گیری چیست؟ ما بر آنیم تا پاسخ دادن به این پرسش‌ها، خطری را که دانسته یا نادانسته، به آن دام نزنیم، نشان دهیم.

از مبارزه با امپریالیسم تا مبارزه با کمونیسم

وقتی کادر روزنامه جمهوری اسلامی در محل سابق روزنامه رستاخیز، واقع در خیابان فردوسی طبعدهم نیازمند بهای کیهان مستقر شد و آگهی‌های انتشار آن شهرها را بر کرد، همه در انتظار تولد روزنامه‌های بودند در شان جمهوری اسلامی ایران، روزنامه‌ای که از قلب انقلاب ایران متولد شده باشد، یعنی همانطور که در آغاز ادعا کرده بود، «اخلاق اسلامی» را رعایت کند، در وحدت نیروهای خلق بکوشد و تسویه را علیه امپریالیسم، بر سر کردگی امپریالیسم آمریکا بیچ کند. این انتظار از خط امام ناشی می‌شد، که روزنامه جمهوری اسلامی خود را تنها مدافع راستین آن میدانند.

مانند ای‌ها، که بر اساس آموزش علمی و انقلابی و انسانی خود، محسنتات دیگران و حتی مخالفان خود را لجن پاشی نمی‌کنیم، و از چشم فرو نمیکذاریم،

نقشه خط باخی که توده‌ها برای تسخیر ایران طرح کرده‌اند... روی جلد مجله تهران مصور در خرداد ۱۳۳۱ - این زمانی است که ابادی امپریالیسم تبلیغات علیه توده‌ها را آغاز کرده‌اند تا آمریکا با خیال راحت تدارک کودتا را ببیند در این صفحه شوروی به همدستی با انگلیس متهم شده و عبدالله و آله از نقشه خطرناک توده‌ها برای تسخیر ایران سخن گفته است!

سریجامی کوفی که بر این روزنامه در آغاز، خط ضد امپریالیستی حاکم بود، هنوز هم روزنامه جمهوری اسلامی در حرف، گاه و بیگاه آتشین‌ترین دشمنان را تشار امپریالیسم دویزه امپریالیسم آمریکا می‌کند.

اما در عمل چنانچه روی داد؛ همراه با تشدید مبارزه طبقاتی در شرایط پرتوج جامعه ایران، که ما به نوبت گان روزنامه جمهوری اسلامی حق می‌دهیم به خاطر نورسیدگی‌شان در عرصه سیاست قادر به درک و تحلیل آن

نباشند، خط دیگری هم در این روزنامه آرام آرام رشد کرد، خط ضد کمونیستی.

این خط هر روز حجم بیشتری از روزنامه را به خود اختصاص داد و در مسیر حوادث، روزنامه جمهوری اسلامی به یکسریترین روزنامه ضد نیروهای مترقی بدل شد. روزنامه جمهوری اسلامی در عمل نشان داد که آن «آزادی» را که مدعی درجه اول است، نتواند «آزادی» اعتقادات نویسنده‌گان خود میداند و هر که از این مسیر تنگ انحصار طلبانه نگذرد، «مترقی» است و چون

مترقی است، «کمونیست» است، و چون کمونیست است، «ضد انقلابی» است.

تلاش خط ضد کمونیستی روزنامه جمهوری اسلامی این بود و این هست که تضاد اصلی جامعه را تضاد اسلام و کمونیسم قلمداد کند. در دیگری همین خط بود که هر جاشه انقلاب آتش افروخت روزنامه جمهوری اسلامی آن را به حساب «کمونیست» ها نوشت. «کمونیست» ها در آغاز فقط سازمان چریک‌های فدائیان خلق ایران بودند بعد سازمان مجاهدین خلق هم

به آنها اضافه شد سپس حزب توده ایران هم به آنها پیوست. این ۳ سوراکنون به نظر روزنامه جمهوری اسلامی، «گردان ضد انقلاب» را تشکیل میدهند. ۳ نیروی، که برغم انتقادات جدی ما به مجاهدین و یوزره به فدائیان، در طول تاریخ نبرد با امپریالیسم خونخوار امریکا و شاه خانی، با صدها شهید و هزاران زندانی، در صف اول نبرد بوده‌اند و هستند.

خط ضد کمونیستی روزنامه جمهوری اسلامی هر روز رشد بیشتری کرد و سرانجام این روزنامه بایش کشیدند نظریه سازش شرق و غرب در پشت پرده، اعلام کرد که خطر شرق و غرب یکسان است. میشد در این نظریه نوعی صداقت ناشی از عدم شناخت امپریالیسم و کمونیسم را جست و جو کرد و در دسترس نمودن تجربه تاریخ معاصر ایران را، که ناشی از اختناق دوران پهلوی است، علت آن دانست.

اما این نظریه، همچنان که طبیعی است، ثابت نماند و خط ضد کمونیستی غالب شد. با غلبه این خط بار دیگر معلوم شد که امپریالیسم چگونه با افروختن آتش می‌تواند تضاد های فرعی جامعه را در ذهن تازه کاران به تضاد عمده بدل کند و کسانی را که پایگاه طبقاتی شان خرده بورژوازی است، اما عصبان خود را توده‌ای میداند، در دام بیاورد.

خطر کمونیسم آرام آرام جانشین خطر امریکانگد و دشمن اصلی ایران، شوروی، کمونیست‌ها و در رأس آنها حزب توده ایران از کادر آمد. این درست در شرایطی بود که امام در جریان خود از توده‌ها خواست علیه امریکا بیچ شوند و همه فریاد خود را بر سر شیطان بزرگ بکشند. درست به خاطر تسلط همین خط است که ما به روزنامه جمهوری اسلامی جواب می‌دهیم.

هدف ما پاسخ دادن به دشمنان نیست، زیرا در حیات ۳۸ ساله حزب ما، دشمنان خلق، یوزره‌شاه خانی و اراشی بدترین دشمنان ما با داده‌اند و میدهند. هدف ما روشن کردن یک تجربه بزرگ تاریخی است، تاریخی که روزنامه جمهوری اسلامی از آن دم میزند، اما هیچ چیز از آن نمیداند.

ما در عین اینکه عمیقاً معتقدیم روزنامه جمهوری اسلامی، مانند هر روزنامه یا بخش و گروهی حق دارد با مواضع سیاسی و ایدئولوژیکی در عرصه در پیش خواهد بود.

اعلامیه سازمان حزب توده ایران در تو کمن صحرا:

چرا چریک‌ها دروغ میگویند؟

مامسولین سازمان چریک‌ها در تو کمن صحرا را به یک مناظره عمومی دعوت می‌کنیم

«خلاء» در نظر امپریالیسم جهانخواه امریکا

خبرگزاری رویتر، فروردین، از لندن گزارشی داد که «چریک‌ها» دیپلمات سابق امریکا (معاون سابق وزارت خارجه ایالات متحده امریکا) دیروز قویاً زعماء غرب خواست، خلائی را که بدنبال سقوط شاه مخلوع در خلیج فارس بوجود آمده است، پر کنند.

بدینسان چریک‌ها، یکی از سخنگویان امپریالیسم جهانخواه امریکا، سقوط رژیم شاه مخلوع را باعث ایجاد «خلاء» میدانند، از هر کجا رئیس دست نشانده و در رأس آن گرگ دستاموز درنده‌ای برای تامین تاراجگری غرب امپریالیستی برقرار باشد، پر است و اگر نباشد ایجاد خلاء شده است. چریک‌ها، حاکم جهان راملک طلق امپریالیسم میدانند، تحلیل پیدایش این «خلاء» را راندارند و باید آنرا پر کنند. پر کردن این «خلاء» می‌تواند بوسیله کودتاهای نظیر کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ایران باشد، که سال پر کرد. اکنون دوباره در ایران «خلاء» ایجاد شده و این خلاء را باید از طریق محاصره اقتصادی، بهایم نظامی، تقویت خرابکاریها و ضد انقلاب داخلی و هر وسیله ممکن دیگر پر کرد.

افغانستان نیز بصورت «خلاء» دیگری در آمده است، چون از چنگ امپریالیسم جهانخواه، مانند ایران، بوسیله انقلابی ضد امپریالیستی و خلقی رها شده است. این «خلاء» را میباید نیز در غربالیم صورت نیروی ملی در خلیج فارس که غربی بنظر میرسد، در پیش خواهد بود.

برای مبارزه با امپریالیسم امریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم

... و آمریکاییها نمیآیند...

بقیه از سفحه ۱
مامانها باقی نمانده، این اصل پای می فشاریم که هیچکس حق ندارد دشمن اصلی خلق را از توره ها پنهان کند و روند مبارزه ضد - امپریالیستی را منحرف سازد. به همین دلیل است که در این مقطع با بررسی «فحش نامه» روزنامه جمهوری اسلامی، مضمون واقعی آنرا نشان میدهم.

آمریکاییها نبودند!

آنچه از اعماق این «فحش نامه» فریاد میکند، همان نظریه خطرناکی است که مارا و امپدادر بنا بر وظیفه انقلابی خود با روشنفکران دقتی آنرا بر دسی کشیم. روزنامه جمهوری اسلامی بر اساس آنچه در این مقاله آمده، نه تنها اعتقاد دارد آمریکاییها در کودتای ۲۸ مرداد نقش در ایران نداشته اند، بلکه معتقد است اکنون هم شکست خورده اند. «فحش نامه» با «دفاع» از سالوادور آلنده، رهبر مارکسیست شهید شیلی آغاز میشود. عجب که روزنامه جمهوری اسلامی در ابتدای «فحش نامه» لجام گیسخت علیه کمونیستها، از رهبری «دفاع» می کند که هر بیهوشی می دادند مارکسیست بود و مارکسیست شهید شد و «فحش نامه» حتی بر این مارکسیست دل میسوزاند: «سالوادور آلنده پشت میز کارش جان داده و دلیل این شهادت را چنین ذکر میکند: «جهان می داند که خلق ما در مثل همیشه قربانی کسانی می شود که ظاهراً سنگ اورا به سینه می کوبند». و به این ترتیب آب تپه بر دست های جنایتکار آمریکای خونخوار می ریزد.

در ادامه «فحش نامه» می خوانیم: «پس از آنکه قیام قهرمانانه ملت ایران با حمایت و جانفشانی بیدریغ نیروهای اصیل اسلامی و رهبری دکتر مصدق، با توطئه های شبانه روزی به اصطلاح توده های

امروز در «نامه مردم» بزبان کردی میخوانید:

«پس از آنکه از بیرون محاصره اقتصادی با تفاهم کامل آمریکا و شوروی، کامل شد، فداانه بندهای غرب - با لبخند ملیحانه و مولوسانه شرق - در خیابانها ظاهر شده و دگر فاطمی کشته شد، مصادف مستگیر شد، سپهبدانهدی پشت تانک ربه آزادی سینه قیام را نشان گرفت و شاه با آن تکاء معنی دار و زهر آگین دو پاره بر مسند حکومت نشست و توده های باخارج فرار کردند...» (همانجا)

خوب در جوهر اظهار نظرها بکارید. سازمان جاسوسی سیا و کرمیت روزولت سر جاسوس آن یعنی عمل اصلی کودتا، سرچشما اعتراف کرده اند که کودتای ۲۸ مرداد را تدارک دیده و انصاف داده اند، و از شکستی روزگزار روزنامه جمهوری اسلامی هم آنرا چاپ کرده است، اگر میلیاردها دلار خرج میکردند، نمی توانستند با این آسانی خود را تیره کنند. جوهر این سخنان عجیب، این است که: کمونیست ها - توده های، مجاهدین و فدائیان در زمان مصدق با به جان هم انداختن مردم و اعتصاب ها و تحصن ها و کم کاری ها و شمار بازی ها و دروغ ها و بر چسب زدن ها و پشت سوابق انقلابی دیگران قائل شدن ها و دم

سر تیپ مغروری فرمانده لشکر خوزستان برای اجرای یک کودتای خائنه حاضر شده است

سر لشکر زاهدی با تفاق عده ای از افسران باز نشسته به خوزستان عزیمت کرده است در گرمان و بلوچستان و سیستان هم افسران خائن درباری سر تیپ امانور و سر هنک لیبیبی در صدد ایجاب توطئه ای هستند. دولت باید با تکاء بنیروی بی گران ملت توطئه گران را فوراً دستگیر و تیر باران کند باید بالنازه قری سلطنت و استقرار جمهوری امید توطئه گران را بپوشاند و شاه خائن جیدل بیاس کرد در تهران گرداندگان گروه های پان ایرانیست و (نیروی سوم) تصدیر از نذای ایجاب آشوب و هرج و مرج و حمله با ادارات جراند و خانه های مردم و دانشگاهها، زمینه توطئه جدیدی را فراهم کنند

مامردم را به شیاری و آمادگی برای رفع خطر از هر جانب و بهر شکل که باشد دعوت میکنیم

شجاعت

شماره ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ۱۹ اوت ۱۹۵۳ شماره ۱۹

بهر روز در تهرات نظر فداری از استقرار جمهوری دموکراتیک تظاهراتی صورت گرفت در پیوند تظاهرات شدیدی بر شد شاه خائن ایجاب شد

از خلق قهرمان و کشاورزان و کارگران زده ها... (صفحه اول - ستون اول) مردم را ناسامد کرده اند و مصدق را شکست داده اند و توفت امریکارا سرکار آورده اند یعنی امریکارا امریکا جنایتکار است اگر امریکا ۲۵ سال ایران را غارت کرده، اگر امریکا هزاران ایرانی را کشته و زندانی کرده، این خواست که ما همتا دوست ایران است، کاری بکار ما ندارد! دهم از روی کار آمدن امریکا چه شد، «فاطمی کشته شد، مصدق دستگیر شد و توده های ما فرار» کردند.

روزنامه جمهوری اسلامی در دست است. اما عجب کار اینجاست که مردم ایران مثل نویسنده «فحش نامه»، همه فن حریف نیستند که از مطالب تاریخ کشورشان بی نیاز باشند. آنها حتی آنها که فقط روزنامه را خوانده اند، با نسام های «سیامک، مشوری، و کیلی، عطارد، افراخته، کیوان...» و دهها نسام دیگر آشنا هستند. میدانند که آنها افسران توده ای بودند که بعد از کودتا به جبهه های اعدام دست شدند. میدانند که خسرو روزبه ۴ سال بعد از کودتا، که مبارزه خروش خود رژیم شاه را لرزاند و در جهان رسوا کرد. میدانند که او توده ای بود. او عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران بود. مردم ایران علاوه بر این، کمی تاریخ خوانده اند و میدانند که فاطمی هم در خانه توده های پنهان شده، میدانند که تنها ۴ هزار توده ای، به شهادت سرهنک زیبای معروف، بعد از کودتا دستگیر شدند. لابد اینهم از «اخلاقیات» کمونیست ها است که بفتح آمریکا کودتا میکنند و آن وقت آمریکا عاملان کودتا را دسته بسته اعدام میکند!

ما به «فحش نامه» نویسنده روزنامه جمهوری اسلامی پیشنهاد میکنیم: حالا که اسناد ساواک در دست ما در دسترس شماست، اگر حرف مردم را قبول ندارید، کسی پرونده های ساواک را ورق بزنید و غیر از فاطمی، یک نفری آری فقط یک نفر دیگر را به ما معرفی کنید که توده ای نباشد و بلافاصله بعد از کودتا، بیشتر از ۲ سال زندانی شده باشد، اعدام پیشکش شما. و اما اینها هم سهم نیست، حقیقت را میشود لجن پاشید، زیر خاک کرد، سوزاند، به زندان فرستاد و تیر باران کرد، اما حقیقت را نمیتوان کشت. سهم جاسوسه کودتای ۲۸ مرداد است. نامه مردم در چند روز آینده، در مقاله شخصی درباره رویدادهای ۲۸ مرداد، دقیقاً به این ساله خواهد پرداخت، اما عصاره آن تجربه این است: امریکای جهانخوار از یکسال قبل از کودتای ۲۸ مرداد از سوی زمینه آن را می چید، از سوی دیگر برای فریب مردم، توسط ایادی خود، به تبلیغات

دارد حتی یک رای تقلبی هم در انتخابات داده نشده است! ممکن است نویسندگان این روزنامه به ما بگویند، توده های ما چه نیروی میخوانند کودتا کنند؟ نکنند یا نیروی جادو! و راستی نکنند آنها که می آیند، کسانی باشند که انتخابات را یکسره قیضه کرده اند!

بیا لید کمی جدی باشیم

و در پایان چند خط هم به اتهامات دیگر «فحش نامه» روزنامه جمهوری اسلامی بپردازیم. ما از فحش ها صرف نظر می کنیم. در شان انقلابیون نیست که دشمن های دشمنان را حتی تکرار کنند. ما از روزنامه جمهوری اسلامی میخواهیم درباره اتهامات زیر، که به ما زده است، لاقیل برای پاور مردم به اخلاق اسلامی - که نویسندگان آن مدعی هستند - یک سند، حتی از اخبار خود روزنامه جمهوری اسلامی، بیاورند:

- ۱- شرکت در جنگ برادر کسی کردستان.
- ۲- به اغتشاش کشیدن مراکز فرهنگی و اقتصادی در گنبد، کردستان، خوزستان، بلوچستان و تهران.
- ۳- ختنی کردن حرکت امام، پشتیبانی و یا شرکت در تصمص، اعتصاب، کم کاری.
- ۴- مافکر می کنیم روزنامه جمهوری اسلامی، که از چاپ کمترین شایعات در مورد نیروهای مترقی خودداری نمی کند. حتما اگر خبری و یا حتی شایعه ای از دخالت های ما در موارد بالا بدست می آید، چاپ می کرد و یا وقتی اعتراضی بالا را میزند، حتما بر اساس اخلاق اسلامی، که ما به آن عتیقا احترام میگذاریم، مدرک و سندی در دست داریم. ما بارها اعلام کرده ایم که آماده بحث جدی و اصولی با همه گروهها و سازمانها، از جمله روزنامه جمهوری اسلامی هستیم. هنوز هم ما این آمادگی را داریم. بیایید کمی جدی باشید. بیایید دشمنان دهنیم و اتهام نزنیم.

ما در زمان مصدق گفتیم، فوریان رژیم و هشدار دادیم، اما گوش ها بسته بود. نتیجه بسته بودن گوش ها، ۲۵ سال خیانت و جنایت و غارت بود.

اکنون نیز می گوئیم فریاد می زنیم و هشدار می دهیم: دشمن اصلی آمریکا است، تفرقه بود آمریکا است. به نسل های فردا، گوش هائیکه امروز نمی شنوند، باید پاسخ بگویند.

«خلا» در نظر...

بقیه از سفحه ۱
به افغانستان و ایجاد شورشیان ضد انقلابی بر کرد. ضد انقلابی از نظر «جرج بال» ما تمام سحبان سوم باید بدون «خلا» باشد. برای اینکه همه جا در «جیا سوم» بی «خلا» باشد، باید در همه کشورهای این جهان سوم، رژیم های دست نشانده برقرار باشند، تا هست و نیست این کشورها را به کشورهای امپریالیستی تقدیم کنند. این «حق مسلم» کشور های امپریالیستی است و هیچ خلقی حق ندارد به این «حق مسلم» به چشم چپ نگاه کند و ایجاد «خلا» نماید!

ولی بعرض آقایان جرج بالها باید رساند که دوران، دوران بیداری «خلا» هاست، و خلفای یکی پس از دیگری، رژیم های دست نشانده کشورهای امپریالیستی را واژگون میکنند و خود را از زیر یوغ امپریالیسم جهانخوار و خون آشام رها میسازند، استقلال خود را بدست می آورند و آنرا تحکیم میکنند و چون مردمک دیده حفظ میکنند.

امپریالیسم دیگر قدرت آنرا ندارد که «خلا» را بر کند. «جهان سوم»، بکوری چشم جرج بال ها، دیری نخواهد گذشت که یکپارچه «خلا» خواهد شد و همه خلفای این منطقه عظیم کره زمین، سر نوشت خود را از چنگ استعمار امپریالیستی بدر خواهند آورد و بدست خود خواهند گرفت.

شوخ نیست...

دعوی مسلمانان...

در خبرها (و اتفاقاً از قول یکی از متجددان آقای ضیاء الحق در دفاع از مسلمانان، یعنی صدای امپریالیست های فرانسه، که نامش خبرگزاری فرانسه باشد) بود که ده هزار تن از مسلمانان غیر بنگالی برای شکر از اسلام - دوستی آقای ژنرال در داکا دست به تظاهرات زده اند. آنها فقط یک گله کوچک از ژنرال اسلام - پناه داشتن و آن این بود که - حقوق ۵۰۰ هزار مسلمان غیر - بنگالی را بر سمیت بشناسد و مانع رفتن آنها به پاکستان نشود. آقایان با امور «اسلام آمریکایی» بعد از شنیدن این خبر، اظهار نظر می کنند که مسلمانان بنگالی کار بیهودهای کرده اند، چون ژنرال مسلمانان ایران را هم در زمان شاه خائن به مسلمانان قبول نداشت، به همین خاطر هم بود که در روزگزارشان به شاه تبریک گفت. حالا هم نه مسلمانان فلسطین را بر سمیت می شناسد و نه مسلمانان هیچ جای دیگر را ژنرال فقط و فقط مسلمانان افغانستان را بر سمیت می شناسد و چون فقط مسلمانان آنها را قبول دادند، در راه نجاتشان تا آخرین قطره خون خواهد خشکید.

اخبار کارگری

کارگران نانوائی مشهد و حومه چه می خواهند؟

چندی پیش سدیکی کارگران خبازمشهد و حومه ضمن برگزاری مراسم، با صدور یک قطعنامه، خواست های کارگران نانوائی را مطرح کرد.

در این قطعنامه کارگران، ضمن پشتیبانی از انقلاب و مبارزه ضد امپریالیستی جادری به رهبری امام خمینی و اقدام انقلابی دانشجویان مسلمان پیرو خط امام در اشغال لانه جاسوسی آمریکا، از جمله خواست های زیرین را اعلام کردند:

- ۱- مزایای قانونی (حق مسکن، حق خواربار، حق عائله مندی)،
- ۲- بر داخت دستمزدها و تعطیلات رسمی،
- ۳- اخراج کارگران افغانی و بکارگماردن کارگران ایرانی.

- ۴- جلوگیری از اخراج نمایندگان کارگران.

کارگران نانوائی مشهد اعلام داشتند که در امر تأمین نان مرغوب برای شهر تلاش میکنند و بیکسری خواهند داشت و ثابت خواهند کرد که کارگر می تواند پشتیبان مقدمه انقلاب باشد آنان یاد آور شدند که چون آرد از حیزانه ملت تهیه و در اختیار نانوائیان قرار میگیرد، نباید سود آن به جیب تعداد معدودی از کارفرمایان برود. کارگران از شورای انقلاب خواستند که با اتکا به نیروی کارگران این کار را بطور متمکن و بصورت یکشکرت و احساسات زمان دهند.

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

لایحه واگذاری زمین مصوب شورای انقلاب گامی در جهت پیشبرد انقلاب است

امروز واگذاری زمین و حل اختلافات میان روستاییان و سایر مسائل مربوطه از جمله در نظر گرفتن مصلحت جامعه را

طبق قانون بهمه خواهد داشت. تا این هیئت در روستاها تشکیل نشود، قاعده تا امر حل و فصل مسائل مربوطه و تعیین تکلیفها کمیتهای زیر نظر واگذاری زمین حل نشده باقی خواهد ماند.

حضور مستقیم دهقانان در این هیئت و بیان مستقیم نظریات و خواست آنها نیز مربوط است بهدو نمایندهای که از شورای ده به هیئت معرفی میشوند. بنابراین اولاً وجود شورای ده ضروری است. ثانیاً حضور نماینده آن گروه دهقانان که باید از قانون بهره مند شوند، یعنی دهقانان بی زمین و کم زمین، در خود شورای ده است. ثالثاً دو نماینده شورای ده، که در هیئت حضور می یابند، باید دقیقاً نماینده این اقشار تهیدست روستایی باشند.

در پیوند با این مسائل، وظایفی در مقابل خود دهقانان و سازمانهای مترقی و در برابر ادگانها و مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران قرارداد، که برای انجام آنها پیشنهادهای زیرین را میتوان ارائه داد:

- ۱- نمایندگان صلیق و متبحر و مردمی وزارتخانه های کشاورزی و کشور و جهاد سازندگی و دادگستری و یادادگاه انقلاب در استان و شهرستان و بخش و روستا هر چه زودتر معلوم گردد. بنظر ما بهتر است بجای یک کارمند دولتی از وزارت کشور، سعی شود نماینده ای از سپاه پاسداران محل برگزیده شود و اصولاً تکلیف به نهادهای انقلابی مثل جهاد سازندگی و پاسداران بیشتر باشد تا به وزارتخانه ها. در انتخاب این افراد باید با دقت کامل عمل شود.
- ۲- کوشش همه جانبه از نظر روشنگری و سازمانی جهت ارشاد روستاییان و روستائیان به خاطر تشکیل شورای ده و برسیته شناختن آن و انتخاب دوفتر نمایندگان آن جهت همکاری با هیئت هفت نفری از طرف مقامات دست اندرکار بعمل آید. در شرایطی که اکثریت مطلق دهات هنوز فاقد شوراهای

لایحه زمین که بر اساس طرح آقای رضا اصفهانی، معاون وزارت کشاورزی، تهیه شده و به تصویب شورای انقلاب رسیده، بطور کلی پاسخگوی نیاز انقلاب و خواست دهقانان زحمتکش است و موجب اعتلای کشاورزی و بهبود وضع روستاها میشود.

البته حقانیت و صحت قانون وقتی بهتر و روشن تر ثابت خواهد شد که در موقع عمل و پیاده شدن، بنحوی بی گرو همه جانبه اجرا شود و نتایج سودمندیات محروم و مستضعفان روستا به بار آرد. از این جهت حزب ماکه بیش از سال است برای طرد بقایای فئودالیسم و ریشه کن کردن بزرگمالکی و برای واگذاری زمین به دهقانان بی زمین و کم زمین مبارزه و مجاهدت کرده است. در این مرحله از تاریخ اصلاحات ارضی نیز خود را موظف میدانند که جهت تداوم انقلاب و بهتر اجرا شدن این لایحه پیشنهادها سازنده خود را، با اتکاء به منافع طبقاتی دهقانان زحمتکش و منافع انقلاب عرضه کند.

دنامه مردم» تاکنون در باره برخی از جوانب قانون و لزوم مشارکت دهقانان در اجرای آن مطالبی نوشته است. اینک نظریات دیگری را، که بویژه مربوط بکار هیئت هفت نفری وظیفه شوراهای ده میشود، عنوان میکنیم:

- ۱- دوفتر نماینده وزارت کشاورزی (این نماینده ها میتواند عضو وزارت کشاورزی نبوده، اما مورد اطمینان وزارت کشاورزی باشند)
 - ۲- یک نفر نماینده وزارت کشور
 - ۳- یک نفر از جهاد سازندگی
 - ۴- یک نفر نماینده دادگستری یا دادگاه انقلاب
 - ۵- دوفتر نماینده شورای ده.
- بنابراین، ۳ یا ۴ نفر از نمایندگان وزارتخانه ها، یک یا دو دوفتر از نهادهای جدید انقلابی و دو نفر از نمایندگان روستائیان از طریق شورای ده در این هیئت هفت نفری راه می یابند. این عده

باید شوراهای ده هر چه زودتر تشکیل و تقویت شود و کمیته های دهقانان بی زمین و کم زمین نمایندگان خود را با آنها بفرستند

مستند و بدون شورای ده هم تشکیل هیئت هفت نفری امکان پذیر نیست، اجرای این پیشنهاد اولویت و فوریت ویژه ای دارد.

۳- بر اساس گزارش مشترک وزارت کشاورزی و سازمان برنامه و بودجه، که بخشی از این گزارش مربوط به شوراهای است، کار لازم جهت تشکیل شوراهای روستایی و عشایری تریبیت شود. شوراهای ده نهادهای بسپادمهم مردمی و در عین حال آداری و شالوشده زیرین نظام شورایی هستند و تریبیت کلا برای آنها دارای اهمیت خاصی است.

۴- چون در این لایحه زحمتکشان عشایر و تولیدکنندگان منابع طبیعی در رشته های مختلف از مزایای این لایحه محرومند، باید با آنها تعلق گیرد، بی بهره نمانند، ضروری است هر چه زودتر لایحه ای جهت رسیدگی بوضع زحمتکشان مربوطه و رهایی آنها از قید استثمارکنندگان و استثمارگران تنظیم شود، تا تبعیضی بین زحمتکشان کسرو و روستایی مختلف روستایی و عشایری و منابع طبیعی نباشد و احیاناً درگیر بمانند. مثلاً در مسئله چراگاه بین روستائیان و عشایر و جنگل نشینان ایجاد نشود.

۵- نمایندگان وزارتخانه ها و نهاد های انقلابی که در قانون از آنها نام برده شده و آنها که نام برده نشده، مانند سپاه پاسداران و بنیاد مستضعفین، پس از بهبود کیفی طرز کارشان و طرد انحرافات آنها که دارند، همکاری نزدیک نمایند تا در عمل چندگونی پیدا نشود و همچنین با سازمانها و احزاب مترقی و انقلابی نیز هم راهی و همگامی کنند، تا به نیروی زحمتکشان دهات و بدست آنها

دریسه فاسد و ضد انقلابی بزرگمالکی را بر خواهد کند.

۲- از آنجا که این قانون مترقی با خصوصیات انقلابی ما و نیاز پیشرفت آن میخواند و خواست توده دهقانان تهیدست را، در خطوط کلی خود، در مسئله زمین بر آورده میسازد، بنابراین لازم است که برای پیاده شدن درست و قاطعانه آن سازمانهای مترقی و شخصیتهای خیره آن اقدامات صحیح و قاطع مسئولان انقلابی وزارت کشاورزی را تقویت نمایند و توطئه ها و کارشکنی های محافل مخالف قانون و وابسته به بزرگمالکان یا به لیبیر آنها را افشا کنند.

۳- چون در مورد زحمتکشان جنگلی و ساحلی و عشایر اراکه طریق و دادن طرحها و پیشنهادها سازنده، اجرای امر را پس از تصویب اراکه نهایی صالحه حکومتی تسریع میکند، لازم است که سازمانها و شخصیتهای مترقی و انقلابی، اگر بتوانند با کمی آس و آسازمانهای مترقی، پیش از همه و مؤثر تر از همه، خود دهقانان تهیدست میتوانند کمک برسانند. راه این مشارکت فسال و کمک رساندن مؤثر عبارت است از تشکیل کمیته های دهقانان بی زمین و کم زمین در هر روستا.

این کمیته ها وسیله اتحاد و عمل مشترک دهقانان است، که باید از فقرات قانون بهره مند شوند. این کمیته ها مؤثرترین وسیله برای آنست که نمایندگان این اقشار دهقانان، یعنی دهقانان بی زمین و کم زمین، بتوانند و زنه ای دده بشمار آید و در شورای ده انتخاب شوند و از آن طریق به هیئت هفت نفری راه یابند. برای آنکه شورای ده بهترین ترکیب را داشته باشد و بتواند کمک عملی به اجرای قانون بنماید و با نظم و ترتیب و بساحت اعتماد و اطمینان دهقانان بی زمین و کم زمین قانون را اجرا کند، راه عملی عبارت است از همین تشکیل کمیته های دهقانان بی زمین و کم زمین با حضور نمایندگان آن در شورای ده.

برای ایجاد شورای ده، شورایی که فعال و مدافع منافع دهقانان باشد و پایه نظام شورایی کشور قرار گیرد، باید از همه طرف کوشش شود. هر کس، چه در مقامات دولتی و چه در صف نیروها و سازمانهای مترقی، میتواند صداقت و اصالت خود را در این زمینه و با کمک به تشکیل شوراهای مردمی در روستاها نشان دهد.

بطور مردمی تشکیل شود و نمایندگان اقشار تهیدست و زحمتکش بدان را بپند تامل و واقعاً مسئله زمین به مصلحت جامعه و بسود دهقانان حل و فصل شود، لازم است که همه نیروهای مترقی و انقلابی و همه عناصر و سازمانهای مترقی هر چه زودتر در جهت تشکیل شوراهای ده به دهقانان کمک برسانند. این شوراهای باید مردمی باشند، مدافع و با ذات خواست و منافع زحمتکشان ده باشند و بتوانند انقلاب را سرفراز نمایند.

چون در مورد زحمتکشان جنگلی و ساحلی و عشایر اراکه طریق و دادن طرحها و پیشنهادها سازنده، اجرای امر را پس از تصویب اراکه نهایی صالحه حکومتی تسریع میکند، لازم است که سازمانها و شخصیتهای مترقی و انقلابی، اگر بتوانند با کمی آس و آسازمانهای مترقی، پیش از همه و مؤثر تر از همه، خود دهقانان تهیدست میتوانند کمک برسانند. راه این مشارکت فسال و کمک رساندن مؤثر عبارت است از تشکیل کمیته های دهقانان بی زمین و کم زمین در هر روستا.

وعده های پر ابهام آقای وزیر کار و امور اجتماعی

در سال ۱۳۴۱ تصویب رسید و بعنوان یکی از اصول ششگانه «انقلاب سفید» طاعت بر صحنه آمد، سروشی بود بر روی تشدید استثمار و حشیانه از نیروی کار طبقه کارگر. ما بر این نکته تاکید کردیم که در نظام اقتصادی جمهوری اسلامی، نباید جایی برای اقدامات فریبکارانه ای نظیر «قانون سپیم کردن کارگران در سود کارخانه ها» وجود داشته باشد، نباید به کارفرمای غارتگر اجازه داده شود که بخشی از دستمزد واقعی کارگران را تمام سال نزد خود نگاهدارد و در پایان سال چیزی از آن، یا هزاران منت، بپشواند. سهم سود به کارگران بازگرداند. باید نظام اقتصادی چنان عادلانه باشد و چنان بدون تبعیض اجرا شود که نیازی به اینگونه اقدامات فریبکارانه اختراع سرمایه داران غرب نباشد.

اکنون آقای وزیر کار و امور اجتماعی در گفتگویی اختصاصی خود با روزنامه کیهان، پس از اشاره به چگونگی پرداخت سود ویژه در دوران طاغوت، اظهار داشته است که: «ما مشغول بررسی هستیم که کارگران را در مالکیت، بهره و سود کارخانه ها سهم کنیم که منافع کارخانه به آنها برسد. البته آن مقدار که سهم کارگر است.»

بی تردید باید گفت که مطلب پراپهای است که روشن کردن آن بر عهده خود آقای وزیر کار است. از یکسو وزیر کار قانون سپیم کردن کارگران در

روستاهای کرمان زیر هجوم سیل

بدنیال سیل اخیر در شهرستانهای بم، جیرفت و سیرجان، بسیاری از روستاهای این مناطق طعمه سیل قرار گرفتند و خسارات فراوانی به روستائیان این مناطق وارد آمد. روستاهای این مناطق که متأسفانه فاقد وسائل لازم و کافی برای مقاومت در برابر سیل زدگی هستند، نیاز فراوانی به کمک سازمانها و نهادهای مختلف اجتماعی دارند. قسمت عمده محصولات کشاورزی در این روستاها بر اثر سیل زدگی بکلی نابود شده است و روستائیان با کمبود مواد غذایی و مواد لازم برای سوخت روبرو هستند همچنین گزارش میرسد که خسارات ناشی از سیل شامل منازل مسکونی نیز میگردد.

خانه های کلی و کلبه های ویران روستایی، که ازت رژیم منحوس شاهنشاهی است، و عدم وجود تأسیسات لازم برای جلوگیری از خسارات ناشی از بلایای طبیعی موجب میشود که هر سیل و زلزله ای، عواقب بسیار سنگین و تلخی بدنیال داشته باشد. جلوگیری از خطرات احتمالی آتی در اثر سیل زدگی و نیاز از راه اقدامی است. در شرایط جبراً ایجاد کشور ما بسیار حیاتی، باز سازی روستاها و ایجاد ساختمانهای مستحکم، ساختمان سداها و یا تأسیسات لازم برای جلوگیری و پیشگیری خطرات ناشی از سیل، زندگی روستائیان و تولیدات کشاورزی ما را محفوظ میسازد. خسارات ناشی از سیل خساراتی است که هم به کشاورزان و زحمتکش و هم به اقتصاد ملی ما وارد میگردد. حفظ جان روستائیان و محصولات کشاورزی، حفاظت از نیروهای انسانی و ثروت های ملی است.

در حال حاضر وظیفه فوری رساندن کمکهای فوری به نزدیک به ۳۰ روستای آسیب دیده و سپس کمک به احیای کشاورزی در این مناطق است

موسسات تولیدی را در بر نمیگیرند و تقابلاً در تمکک کارفرمای خصوصی است، چگونه میتواند به مالکیت کارگران در آید؟ واقعیت آنست که بی برناسکی، ضد نفیض گویی، چند گونه گویی و ناروشنی مسئولین امر در مسائل اقتصادی، اقتصاد کشور را به دقت تمام و بدون انحراف گام و رطبه هولناکی کشانده است که خطرناکترین تهدید برای انقلاب ایران است. این اقتصاد تملاتی با خود داشت.

خانگی بیدار بزم کنیم

خانم غرب گشتم آه و

رفقای حزبی، هواداران، دوستان حزب و هموطنان!

ما میخواهیم همراه شما و به کمک شما جشن چهلین سالگرد تأسیس حزب توده ایران را در خانه حزب برگزار کنیم. برای خریدن و یا ساختن خانه حزب به کمک مالی شما نیازمندیم. با کمک خود در این جنبش همبستگی و خلقی شرکت کنید. کمک مالی خود را به نام رضاشلوکی، شماره بانکی ۸۶۸، بانک تهران، شعبه ایران شتر شالی بپردازید.

توجه: (۱) پرداخت پول، با ذکر مشخصات فوق، به تصام شعبه های بانک تهران ممکن است. (۲) از کمک کنندگان خواهشمندیم فتوکپی فیش بانکی را به آدرس دیرخاله کمیته مرکزی تهران، خیابان ۱۶ آذر، شماره ۹۸ ارسال دارند.

واحد حزبی در گرانبول (فرانسه) ۳۰۰ فرانک
 هواداران حزب در گرانبول ۲۰۰
 هواداران حزب در تور (فرانسه) ۳۰۰

دوستی که حاضر نشده است نام خود را بگوید
 پانکی با محتوی ۵۰۰۰۰ ریال، که روی آن متن زیر نوشته شده بود، به دفتر حزب تسلیم کرده است.

بزرگسالی که حزب صلاح یابد
 عضویت میم.

با تصویب شورای انقلاب، راه برای اصلاحات ارضی واقعی و بنیادی گشوده شد. دهقانان با انتخاب شوراهای ده در همه جا و تشکل در اتحادیه ها، باین راه میروند

ورزش و روانشناسی

دستون جدیدی که در نامه مردم باز شده، تاکنون یک رشته مطالب نظری - علمی را پیرامون ورزش مطرح کردیم. بویژه پیرامون ماهیت ورزش، رابطه آن با آموزش، با نظام اجتماعی، با فرهنگ جامعه و نقش «بازی» بطور عام در زندگی بشر نکاتی را با شما در میان گذاشتیم.

در بحث امروز هم بدنبال آن مطالب، دو مسئله را بررسی میکنیم: یکی رابطه ورزش و روانشناسی و دیگر مسئله شخصیت و ورزش که خود میتواند بخشی از همان مسئله اول تلقی شود.

ورزش و روانشناسی

در آموزش و پرورش، روانشناسی جای عمده‌ای دارد. تا آنجا که هیچ آموزشی بدون توجه به نکات و اصول روانشناسی نمی‌تواند کامل و جامع باشد. بین ورزش و روانشناسی نیز پیوندی تدریجی بوجود آمده است. تا آنجا که اثرات متقابل هر دو بر یکدیگر، کارشناسان ورزش را با این حقیقت آشنا کرده تدریس و تمرین صحیح ورزش و کسب موفقیت‌های ورزشی و حفظ و پیشبرد آنها، بدون توجه به نکات روانشناسی امکان پذیر نیست.

از آنجا که ورزش در این زمینه و بخصوص مطالعات ورزشی از دیدگاه روانشناسی، باعث بوجود آمدن مکتب تازه‌ای در علم روانشناسی، و تربیت بدنی گردیده است. که امروزه نام «روانشناسی ورزش» در مدارس عالی و دانشگاه‌های ورزشی تدریس میشود.

این قسمت از روانشناسی و یا تربیت بدنی، انگیزه انتخاب رشته، از ورزش و چگونگی رفتار و نحوه برخورد یک ورزشکار را مورد بررسی قرار میدهد. روانشناسی ورزشی حالات روانی افراد را در موقعیت

ورزشهای مختلف ورزشی، از جمله هنگام ضعف بدنی، قدرت بدنی، تسلط بر مهارت‌های خاص، موفقیت یا شکست ورزشی مطالعه کرده و پس از مطالعه، آزمایش‌ها و نتیجه‌گیریها، نتایج حاصل از آزمایش‌های مکرر را به صورت قوانین کلی و مشخص و بتواند راهنمایی‌های روانشناسی در تدریس و تمرین و یا در کودکی و ورزشی برای اشخاص مختلف عرضه میکند.

در مقایسه با سایر رشته‌های ورزشی علوم تربیتی، روانشناسی ورزشی، رشته‌ای جوان و تازه است. اگر چه اصول روانشناسی و بخشهای مختلف آن در تمام ممالک دنیا تدریس و تحقیق می‌شود، ولی فقط در کشورهای جلوفراشه و بویژه در جوامع سوسیالیستی است که «روانشناسی ورزشی» بعنوان ابزار تربیتی مورد استفاده استادان ورزش و روانشناسی قرار می‌گیرد و از آن در عمل استفاده می‌شود.

از نظر گاه علمی، روانشناسی ورزشی به بخش‌های زیر تقسیم میشود.

- ۱- اصول روانشناسی ورزشی.
- ۲- روانشناسی استعدادها و ورزشی.
- ۳- نتایج و اثرات روانی استفاده از ورزش.
- ۴- روانشناسی قهرمانی.
- ۵- بررسی حالات و اثرات روانی ناشی از تصادفات ورزشی.
- ۶- نحوه بکار بردن نتایج بررسی‌های روانشناسی ورزشی.

برخی از متفکران و روانشناسان ورزشی برای هر یک از رشته‌های ورزشی، روانشناسی خاصی قائلند و معتقدند که اجرای حرکات ورزشی در هر رشته، روانشناسی ویژه خود را دارد. مثلاً روانشناسی ژیمناستیک با روانشناسی دوومیدانی تفاوت دارد. آنچه در هر حال قطعی و روشن است اینست که، برای تحقیق در روانشناسی ورزشی، بهر شکل که

صورت گیرد و روشی که برای رسیدن به هدف پیش گرفته شود، به منظور درک صحیح بخش‌های مختلف روانشناسی ورزشی و تمییز جا و مقام مشخص آن در چهارچوب تئوری تربیت بدنی، باید از روانشناسی عمومی، روانشناسی کودک، روانشناسی رشد و بلوغ، روانشناسی شخصیت، روانشناسی یادگیری، روانشناسی انگیزش، روانشناسی رفتاری و روانشناسی اجتماعی، بعنوان علوم پایه استفاده شود. زیرا تشخیص حالات روانی اعضاء یک تیم ورزشی و بررسی کیفیت آن به هر طریقی و در هر سیستمی که انجام گیرد رعایت نکات روانی در برنامه‌های ورزشی و اجرای آن، نیاز مبرم به اطلاع از اصول روانشناسی فوق دارد.

مسئله شخصیت ورزشی

ورزش و شخصیت از دیگر مسائل جالبی است که مورد مطالعه روانشناسان ورزشی قرار گرفته و می‌گیرد. اثر تمرینات و مسابقات ورزشی در اصلاح و تکامل شخصیت ورزشکاران و تأثیر آن در چگونگی اجرای تمرینات و مسابقات ورزشی موضوع یکی از بخشهای روانشناسی شخصیت است. این بخش بعنوان یک ابزار تربیتی برای شناخت روحیه و خصوصیات روانی ورزشکاران در اختیار استادان و مربیان ورزش قرار داده میشود. از این رو روانشناسی شخصیت نقش اساسی در چهارچوب روانشناسی ورزشی دارد و برای درک و نتیجه‌گیری دقیق از آن، نیاز به آگاهی از علوم مردم‌شناسی، فلسفه، جامعه‌شناسی و زیست‌شناسی است.

مفهوم شخصیت در طول قرون و اعصار تغییرات زیادی کرده است و از دیدگاه علوم مختلف مثل فلسفه، جامعه‌شناسی، روانشناسی، آموزش و پرورش، الهیات، زیست‌شناسی و حقوق برای مقوله شخصیت تعاریف متعدد و متفاوتی وجود دارد. شخصیت از نظر گاه مورد بحث ما عبارتست از فرایند

مجموعه فعالیت‌های فرد در سازگاری با شرایط محیط زندگی. شخصیت ورزشکار، با توجه به کیفیت ویژه خود، از سایر انواع شخصیت‌ها قابل تمییز است. بخصوص سلامت بدن، قدرت تصمیم‌گیری، میل به حمله، قدرت دفاعی، شادی ناشی از موفقیت‌های فزاینده ورزشی، درجه و کیفیت تأثیر و ناراحتی از عدم موفقیت، جزء عوامل مشخص کننده شخصیت یک ورزشکار است.

یک ورزشکار باید از لحاظ شخصیت در جهت ایجاد همه آن‌ها که بین جسم و روح و بطور کلی در رفتار و کردار نمونه باشد. هدف عالی از تربیت بدنی نیز جز ساختن افراد با شخصیت و نمونه نمیتواند چیز دیگری باشد.

هر کسی که تحت عنوان ورزش فقط جسم خود را به تکاپو واداشت، ورزشکار نیست. او باید روح خود را نیز در جهت تکمیل شخصیت به تلاش وادارد، به آن شکل بدهد و یک هماهنگی بین آن دو، جسم و روح، در جهت ساختن یک فرد با شخصیت و نمونه بوجود آورد.

بر اساس همین نظریه است که نتایج آزمایش‌های روانشناسی از ورزشکاران در ممالک مختلف نشان میدهد که شخصیت ورزشکار از سایر شخصیت‌ها به خوبی متمایز است. شخصیت سرحد بین دو مقوله رفتار و «شخصیت» و بررسی هر یک و تمایز آنها در جنبه‌های چهارچوب روانشناسی ورزشی دارای ارزش فوق‌العاده است. بخصوص ارزشیابی رفتار در ورزش و تربیت بدنی یکی از هسته‌های مهم بررسی روانشناسی ورزشی است.

شخصی نوع شخصیت افراد به منظور درک علت و انگیزه رفتار و چگونگی اخلاق، نحوه برخورد و حالات. اختصاصی آن میتواند به مقدار قابل توجهی در چگونگی سببیت افراد در تمرین ورزشی و افرادی و اجتماعی موثر باشد.

بنابراین آنچه مورد بحث قرار گرفت، روانشناسی ورزشی میتواند با توجه به حالات روانی افراد، در تدریس ورزش و بازدهی‌های رفتاری و اجتماعی، در محدوده محیط زندگی، مطلع معلومات، موفقیت اجتماعی، اخلاقی و اقتصادی و معنویات مسلکی و تعلق افراد به قشر یا طبقه‌ای از اجتماع نقش مهمی داشته باشد و کمک بزرگی به شناخت شخصیت افراد در جهت رهبری آنان در ورزش بنماید.

(در شماره‌های آینده نامه مردم این بحث‌ها را ادامه خواهیم داد)

در جهان سوسیالیسم چه میگذرد

کوبانی‌ها کتابخوانترین مردم امریکای لاتین هستند

بنا به آمار «یونسکو»، کوبایی‌ها کتابخوانترین مردم آمریکای لاتین هستند. در سال گذشته هر کوبایی بطور میانگین ۴۴ کتاب خوانده است. برای صدها هزار کوبایی که در دانشگاه‌ها و مدارس حرفه‌ای و شبانه به تحصیل مشغولند، سالانه میلیونها کتاب چاپ میشود. شماره کتابخوانان نخستین کشور سوسیالیستی قاره آمریکا، بویژه پس از پایان موفقیت آمیز مبارزه با یاسوایدی در سال ۱۳۵۶، چنانچه افزایش یافت، بطوریکه دولت مجبور گشت چاپخانه‌های جدیدی احداث کند. یکی از این چاپخانه‌ها در گوانتانامو، واقع در جنوب شرقی کوبا است، که بزرگترین و مدرن‌ترین چاپخانه آمریکای لاتین بشمار می‌آید و سالانه ۲۱ میلیون کتاب و جزوه، بویژه در برنامه چاپ میکند. بدین ترتیب، انتشارات این چاپخانه، که با همکاری جمهوری دمکراتیک آلمان تأسیس شد، از کلیه کتابهایی که چهار سال پیش در سراسر کوبا انتشار می‌یافت، بیشتر است.

بهبود وضع مسکن در مجارستان

دفتر مرکزی آمار، سکنه مجارستان را تشکیل میدهند تقریباً نایب مانده، جمعیت دیگر شادری عمومی را، که چند هفته پیش انجام گرفت، منتشر ساخته است. بویژه این نتایج، جمهوری سوده‌ای مجارستان اینک یافته است. ۴۸/۴ درصد خانه‌ها دو اتاقه و ۲۳/۸ درصد آنها سه به نسبت ده سال پیش ۳/۸ درصد افزایش یافته است. در حالی که جمعیت بودا است، که یک پنجم درصد بود.

حفاظت محیط زیست در چکسلواکی

بوم شمالی یکی از استانهای صنعتی جمهوری سوسیالیستی چکسلواکی است، که علاوه بر معادن غنی ذغال سنگ قهوه‌ای، کارخانه‌های بزرگ ماشین سازی، شیمیایی، پارچه‌بافی و شیشه سازی در آن واقع است. تمرکز صنایع در این استان، طبیعتاً مسائل در زمینه حفاظت محیط زیست نیز همراه است. از این رو دولت چکسلواکی سالانه میلیونها کرون صرف پاکیزه سازی هوا از جمله بکام الکتریفیکیشن میکند.

مردم بوم شمالی نیز بویژه خود برای بهبود شرایط زیست خویش کوشا هستند. در این گستره فراخوان ارگانهای اجتماعی مبنی بر آنکه هر یک از ساکنان استان اسما یک درخت بکارند، با واکنش بسیار مثبتی دربر و شده است. بر این نمونه، اهالی خوموتوو تهدید کرده‌اند که جنگل مصنوعی به مساحت ۲۸ هزار متر مربع احداث کنند. مردم اوستی قصد دارند ۲۳ هزار درخت بنشانند. مهندسان، کارگران کارخانه‌های شیمیایی و ماشین سازی اعلام داشته‌اند که در موارد ممکن، کمربندی سبز پیرامون کانها و کارخانه‌های خود دیدید خواهند آورد.

«پالیز بان» افغانستان مخفیانه به ایران آمد

مبارای آشنائی آقای رئیس - جمهوری، گلبودین حکمت یار را معرفی میکنیم

فعالیت برداخت. این شخص همان گلبودین حکمت یار است. گلبودین وقتی به «جوانان مسلمان» پیوست (در سال ۱۳۴۷) هیچ چیز نداشت و کارگر زاده‌ای بود بی پول و مقام.

مردم افغانستان در سال ۱۳۵۴ بنام گلبودین حکمت یار بخوبی آشنا شدند. در این سال در ایالت کندوز سه دهقان هنگام برداشتن خرمن، به غارت آنچه گشت کرده بودند توسط ارباب اعتراض کردند و از دادن تمام گشت سالیانه خود به مباشران خودداری کردند. مباشران برای کسب تکلیف سیراع ارباب رفتند و از او نظر خواستند. ارباب خشمگین دستور داد خرمن را آتش بزنند و دهقانها را زنده زنده بداخل آتش بیاورند تا دیگران عبرت بگیرند. همین کار هم انجام شد. این جنایت آنقدر فجیع بود که در روزنامه‌های آرزو افغانستان هم که زیر یوغ دیکتاتوری بودند، به آن اعتراض شد. این ارباب کسی نبود غیر از گلبودین حکمت یار!

کارگر زاده فقیر سال ۱۳۴۷، وقتی در سال ۱۳۵۷ بدنبال انقلاب از افغانستان فرار میکرد، یکی از بزرگترین فتوادالهای افغانستان شمرده میشد. زمین‌های او در ایالت کندوز آنقدر وسیع بود که در واقع میشد او را صاحب این ایالت و خزین شمالی افغانستان شمرند.

گلبودین، وقتی حقیقتاً امین، جاسوس «سی» تصمیم به تسلیم افغانستان به امپریالیسم گرفت، از طرف کادری بعنوان نخست‌وزیر اومئین شد، که مرحله دوم انقلاب نقشه‌اش را نقش بر آب کرد.

این «مسلمان انقلابی» اکنون رهبری «حزب اسلامی» افغانستان را بر عهده دارد و در اسفندماه گذشته به تهران آمد، البته کاملاً مخفیانه و بی سرو صدا.

اودر روز اول اسفند، در هتل انقلاب تهران، در محاسبه‌های شرکت کرد. در این محاسبه، خبرنگار مطبوعات خارجی وزارت ارشاد ملی ایران، خبرنگار خبرنگاری کانادا، خبرنگار خبرگزاری آری، خبرنگار روزنامه جمهوری اسلامی، خبرنگار ژاپنی، خبرنگار خبرنگاری آلمان غربی، خبرنگار تلویزیونی ایتالیایی انگلستان و خبرنگار اندونزی که تمهه آمریکا (راه حق، شماره ۱۱، صفحه اول) یعنی همه خبرنگاران امپریالیستی شرکت داشتند.

گلبودین حکمت یار در این محاسبه گفت: «روسها در مورد افغانستان دو طرح روی دست دارند: طرح اول اینست که بزرگ رابایک افسر نظامی توفیق کنند... مافکر میکنیم این شخصی که با بزرگ عوض خواهد شد، زنی را عبدالقادر خواهد بود، در صورتیکه این طرح هم به ناکامی منجر گردد، آنها تصمیم دارند ظاهر شاه را

است.

گرانی روز افزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی می کند. زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری و قاطع انقلابی از زیر این بار نجات داد.

اعلامیه سازمان حزب توده ایران در ترکمن صحرا:

چرا چریکها دروغ میگویند؟

■ مامستولین سازمان چریکها در ترکمن صحرا را به يك مناظره عمومی دعوت می کنیم

یکی از اشکال عمل فدائیان و از تاکتیکهای شناخته شده آن، اینست که علاوه بر ایجاد تحریک، درگیری، تشنج و آتش افروزی در میان نیروهای مردم، از آنجا که نفس عمل وی در افکار عمومی مردم محکوم و مطرود است، این عمل را به نیروهای مسئول، انقلابی و مترقی، که لاتی خود را برای عقیم نسیان عقیدههای فدائیان بکار انداخته اند، نسبت دهد و خود را از زیر ضربه خارج سازد. فدائیان بویژه لاتی میورزد این توطئه را در مورد حزب توده ایران، که همواره هرگونه درگیری و تفرقه جوئی را محکوم و توطئه های دشمن را افشا کرده است، بکار بندد و در طول یکساله پس از انقلاب بارها علیه حزب توده ایران به تحریکات دست زده است.

۲- در مورد این اتهام که حزب توده ایران چشم دیدن ستاد شوراهای نداشت، دلائل و شواهد گوناگون و بسیاری خلاف این حکم را اثبات میکنند و مردم منطقه بخوبی میدانند که این نه حزب توده ایران، بلکه ستاد شوراهای و «کانون» بودند که علیه حزب توده ایران به تحریکات دست میزدند و در حقیقت چشم دیدن آنرا نداشتند. حقایق زیرین گواه بطلان دعوی «کار» هستند:

الف- در تاریخ ۲۷ آذرماه ۱۳۵۸، میتینگ حزب توده ایران در گنبد توسط نیروهای ناآگاه، که بوسیله عوامل فدائیان تحریک شده بودند، برهم خورد. چالبابین بود که در این هنگام، اعضای «کانون» با مهاجمین همصدا شده و اعلامیه های خود را که مشحون از تمهت و افترا و لجن پراکنی نسبت به حزب توده ایران بود، به وسعت در میان مهاجمین و مردم تحریک شده پخش میکردند. بعد خانه حزب ما در گنبد، که رفقای ما دو ماه تمام و با صرف انرژی و با تحمل زحمات زیاد آنرا آماده استفاده کرده بودند، توسط ستاد خلق ترکمن زور محاصب شد و حتی چندین بار مذاکره با آنها نیز برای پس گرفتن خانه سوئی نپخشید.

۳- کیوسک نشریات حزب ما در آقلا، چندین بار توسط نیروهای «کانون» مورد حمله قرار گرفت و سرانجام آنرا درهم شکستند و کتابهای آنرا پاره کردند و یا سوزاندند.

۴- راهبمایان ظاهرا فدائیمریالیستی که بدعوت مستاد خلق ترکمن و «کانون» فرهنگ سیاسی انجام گرفته بود، هنگام عبور از برابر دفتر حزب توده ایران، شکل عوض کرد و شکل ضدتوده ای بخود گرفت.

۵- سرها اعلامیه از طرف «کانون» و یا ستاره در منطقه پخش گردیده است که سرایا مشحون از تحریف واقعیات و افترا و تمهت نسبت به حزب توده ایران بوده است.

۶- دروغ آگاهانه «کار» در مورد اینکه ساختمان حزب توده ایران متعلق به جعفری است، تنها مطرح کنندگان آنرا به ورزشکستی میکشاند.

چریکها با این دروغ پندپنال چه چیز هستند؟ اگر مردم ایران ندانند، حداقل مردم منطقه و از جمله هواداران این سازمان در منطقه میدانند که ساختمان اجاره ای دفتر حزب توده ایران متعلق به فردی بنام سربای است و نه متعلق به جعفری فتودال!

۷- «کار» با ادعای این که پاسداران از دفتر حزب توده ایران تیراندازی میکردند، «وزیانه میکوشد تا حزب توده ایران را در درگیریها دخیل وانمود کند. این دروغ نیز بیش از آن آشکار است که دوست عاید گویندگان آن کند. همه مردم منطقه میدانند که حدود ۱۲ ساعت قبل از آغاز درگیری، مردم تحریک شده به نخستین جایی که حمله کردند، دفتر حزب توده ایران بود، که تمام شیشه های آنرا خرد کردند، درهای آنرا شکستند و از همان ابتدا پاسداران در آن جا گرفتند.

۸- «کار» بیبوهه میکوشد که با طرح تحریف آمیز این واقعه، ارتباطی مابین حزب توده ایران و درگیری ایجاد کند.

۹- «کار» باز هم دروغ میگوید وقتی که ادعا میکند زمین داران توده ای، در منطقه فراوانند؛ ما باز هم در مقابل این افترای زشت «کار» پیشنهاد خود را منی بر اینکه اعضاء حزب توده

این عمل از طرف دشمنان انقلاب ایران قبیحی برنمایانگیزد، ولی وقتی یک نیروی مترقی و مدعی صداقت انقلابی و هواداری از اتحاد نیروهای مترقی، به چنین عملی دست میزند، نه تنها شکست انگیز، بلکه تاسف بار است. تاسف بار به این دلیل که این نیرو با این عمل، حیثیت خود را خندخندار میسازد و به شیوه ها و تاکتیکهای دشمن توسل میجوید.

گردانندگان نشریه «کار» از جمله این نیروها هستند. این نشریه در چند شماره اخیر خود یکونه ای زشت و نکوهید کوشیده است پیرچیتی شده وانمود کند که حزب توده ایران در درگیری های گنبد دست داشته است.

این نشریه در مقاله «دو روز با زداشت پاسداران انقلاب اسلامی گنبد» (کار شماره ۵)، یکونه ای زشت، تفرقه افکنانه و تحریک آمیز از قول پاسداران، که معلوم نیست چه کسانی هستند، حزب توده ایران را متهم میکند و می نویسد:

اطلاعات زیادی داریم که حزب توده در این درگیری نقش زیادی داشته است و یادمین دام حزب توده بوده و یا از زبان یک «آوار» می نویسد: «حزب توده چشم دیدن ستاد شوراهای نداشت و در میان علت این اقدام دروغ، ناچوانراده و بیشرمانه می افزاید: «بیشتر توده ای های اینجا بعد از سال ۳۲ زمین خریدند و صاحب زمین شدند. ستاد زمین ها را از آنها گرفته است و اینجا ناراحت هستند و یا در «کار» شماره ۵، در مقاله «دو حقایق را به مردم خواهیم گفت»، می نویسد: «ساختمان حزب توده، که همان ساختمان جعفری است، مورد استفاده سپاه قرار گرفته و از آنجا شلیک میشد به سوی مردم ترکمن، و آن سنگر، مستحکم ترین سنگر سپاه پاسداران بود!»

بدینسان وانمود میشود که گویا حزب توده ایران در درگیری شرکت داشته و همزمان در دو جبهه می جنگیده است!

این دروغ گویی سازمان چریکهای فدائی خلق، چندان دور از انتظار و چندان بی سابقه نیست. ماها است که این کینه کور و بی منطق در روزنامه «کار» منعکس است. سازمان چریکهای فدائی خلق، در پی «اشتباه» و «ناچوانرود» تازه، که از مشی نایبگیر و چپ روانه آن ناشی میشود، آتش خشم خود را بر حزب توده ایران تیزتر کرده است و باران دشنام و تمهت بر حزب ما باریده است. آنها بجای تصحیح اشتباهات خویش، پس ما خشم گرفته اند و در حقیقت بدین طریق نادرستی اعمال خود را تایید کرده اند.

در مورد اتهامات کذب نشریه «کار» تذکرات زیرین ضروری است:

۱- سازمان چریکها موظف است در مورد اتهام شرکت حزب توده ایران در درگیری گنبد، دلیل و مدرک ارائه دهد. در غیر اینصورت این سازمان به همگان نشان میدهد که نه تنها یک سازمان سیاسی نیست، بلکه به زشت ترین و ناچوانراده ترین شیوه ها برای پیشبرد اغراض نادرست خود دست میزند.

ایران در ترکمن صحرا و اعضاء سازمان چریکها در مستاده و «کانون»، صورت اموال و داراییهای خود را مشخص سازند، تکرار میکنیم و برای سازمان چریکها جهت معرفی اعضاء حزب توده ایران در ترکمن صحرا، که زمیندار باشند، جایزه تعیین میکنیم! روش زشت و خصمانه «کار» در دروغ پردازی و نسبت دادن آن به حزب توده ایران و سپس محکوم کردن آن، بیانگر انسلطل دهنشاک مشی چپ روانه و جدا از توده سازمان چریکها است. چریکها به نیروی از مشی چپ روانه و ماجراجویانه خویش، بی توجه به هشدارهای مکرر حزب توده ایران منی بر تاکید بر توطئه های فدائیان - زمینداران بزرگ و عوامل امپریالیسم - در ایجاد جنگ و درگیری و تشنج، در دام تحریکات فدائیان گرفتار می شوند. پس از آنکه واقیعت، صحت هشدارهای حزب توده ایران را آشکار ساخت و ندانم کاری های چریکها لطفت جدی وارد ساخت، بر حزب توده ایران خشم میگیرند و آفتاب دشنام و افترا و بهتان بر آن میکشاند که چرا در ماجراجوئی های آنها شرکت نکرده و تنبیه طبیعی اعمال نادرست آنها را پیشایشی یادآور شده است!

۲- آرایهای که سازمان چریکها در روزنامه «کار» آنها را مورد حمله قرار میدهد (کار شماره ۵ و ۵۱)، اکثری نیرو - های زحمتکش کارگری هستند، منتی بملت ناآگاهی، برائتی نصیاتی که سالها در میان آنها دامن زده شده است، فدائیان بر اخی توافسته است از آنها بهره برداری کند. وظیفه نیروهای مترقی و انقلابی آنستکه با دیدی منطقی و اصولی، با کار پیگیر، سبورانه و روشنگرانه در میان این نیروها، آنها را به سلاح آگاهی طبقاتی مجهز سازند و مانع شوند که فدائیان بتوانند از آنها برای رسیدن به مقاصد شوم تفرقه افکنانه و تشنج آفرین خود استفاده کند. تمامی تلاش نیروهای مسئول و انقلابی آنستکه زحمتکشان را به یکدیگر نزدیک سازند و نه آنکه با تحریک احساسات ملی و قومی آنها را در روی یکدیگر قرار دهند.

متأسفانه سازمان چریکها به این وظیفه خلیر خود آگاه نیست و علیرغم آنکه چنانطرف ما و چه از طرف نیروهای صادق دون خود سازمان چریکها و هواداران آنها تذکر داده میشود، باز مشاهده میشود که نیروهای در دون این سازمان بجای تصحیح اشتباهات خود، بجای چسبندگی عملکرد خود در ترکمن صحرا و نتیجه گیری منطقی از آن، میکوشند با هوچیگری و دشنام گویی به حزب توده ایران، از این وظیفه خلیر شانه خالی کنند.

هیچکس تردید ندارد که در حوادث ترکمن صحرا، نقش فدائیان - زمینداران بزرگ و وابستگاه آنها - نقش اساسی و اصلی بوده است. این امر بارها و بارها از جانب نیروهای مترقی و انقلابی، از جمله توده ایران تذکر داده شده است. ولی این حقیقت به این منی نیست که نقش نیروهای سیاسی مترقی در منطقه در معانفت از گسترش تشنج، یا حتی دامن زدن به آن، بهانه سازی و تحریک عواملی که درجه دوم ولی مهم هستند، فراموش شود. سازمان چریکها با جمله پردازی درباره توطئه های فدائیان و زمینداران، وظیفه خود را کتمان میکند و اشتباهات خویش را پنهان میسازد.

ما هیچگاه با «ستاد خلق ترکمن» و «کانون فرهنگی سیاسی خلق ترکمن» خصوصی نداشتیم و بارها در مقابل اعمال خصومت آمیزی که از طرف این نیروها در منطقه علیه ما انجام گرفته است، با متانت انقلابی برخورد کرده و مکرر اشتباهات آنان را گوشزد کرده ایم. ما از این روش خود هیچگاه خسته نخواهیم شد. ولی تاکید میکنیم که چنین برخوردهای خصمانه، دشمن شادکن و بی منطقی، نه تنها شایسته یک سازمان سیاسی مترقی نیست، بلکه در نهایت بسود دشمنان انقلاب ایران تمی شود.

ما برای تمام مطالب ذکر شده، مدارک روشن و کافی داریم و حاضریم با مسئولین سازمان چریکهای فدائی خلق در ترکمن صحرا، در یک جلسه عمومی در مورد این مسائل به مناظره بنشینیم و قضاوت را بر عهده مردم قرار دهیم.

شاید در آنصورت برای همگی روشن شود که چرا سازمان چریکها دروغ میگوید!

سازمان حزب توده ایران در ترکمن صحرا
۸۹/۱۹

درسنامه

ای فرزند! بدان و آگاه باش که اسلام روزی خلیفه داشت، و بندهاد روزی مقر خلفای اسلامی بود. امروز که چه ایران، ایران است، ولی و مسلمانان خلیفه ندارند و آنکس که در بندهاد بر مستند قدرت نشیند، خلیفه مسلمین نیست. پس ای فرزند، بدان که هر گردویی گرد است، ولی هر گردی گرد نیست!

ای فرزند! بدان و آگاه باش که ایران روزی قلمرو پادشاهان بود. اما در ایران انقلاب شد. امروز که چه ایران، ایران است، ولی دیگر «کشور شاهنشاهی» نیست. و آنکس که امروز تمام امور ایران را بدست داد، «شاه» نیست. نام امروز این کشور جمهوری اسلامی ایران است! اگر آنرا «کشور شاهنشاهی ایران» بنخوانی، گویند که از تحولات تاریخ بختیار است، اگر نکویند که ضد انقلابی است.

ای فرزند! بدان و آگاه باش که روسیه روزی قلمرو تزارها بود. اما در روسیه انقلاب شد. خلفای ترک و تاجیک و قرقیزی و ارمنی روسی و اوکرائنی و... تزار را به کورستان تاریخ فرستادند و نام دشکری برای همین خود بر گردیدند و از اینرو: آنرا ۶۲ سال پیش اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی می نامند، این کشور از ۱۵ جمهوری تشکیل شده است که با یکدیگر متحد هستند و اتحاد جماهیر سوسیالیستی را بوجود آورده اند، که چون شورایی است، و چون سوسیالیستی است، آنرا شوروی سوسیالیستی می خوانند و جمهوری روسیه شوروی فقط یکی از این ۱۵ جمهوری است.

ای فرزند! بدان و آگاه باش، که اگر سیاستمدار باشی و شوروی را با روسیه عوضی بگیری مثل آنستکه جمهوری را با سلطنت عوضی گرفته باشی، یا ایران بد از اسامی را با ایران قبل از اسلام یکی بدانی، یا ایران را با فارس، که فقط بخشی از آن است، اشتباه کرده باشی. و در چنین حالی توقع مدار که اهل فن، تاریخ شناسان و جغرافی دانان، دانش سیاسی ترا جدی تلقی کنند!

از انتشارات حزب توده ایران

منتشر شد

مسائل معاصر آسیا و آفریقا
تالیف دانشمند بزرگ ر. اولیافسکی

هنوز، مشی چریکی جدا از توده حیدر مهرگان

پیکه بینی گدا (خنده گدا - به زبان کردی) حسن لزلچی

تصحیح

در مقاله «چپرها و مساله ای بنام خرده بورژوازی» در «نامه مردم» شماره ۱۹۸، در صفحه ۷، ستون اول، سطر ۱۸، کتاب مورد بحث، «فایشم، کابوس یا واقیعت»، جزوه ۲ صحیح است.

نامه عضو اصلی انجمن نظارت انتخابات به رئیس جمهوری

محمد اقبال عضو اصلی انجمن نظارت مرکزی، بر انتخابات ملی نامهای به رئیس جمهور و چگونگی برگزاری آنرا در تهران توضیح داده است که در زیر میخوانید:

جناب آقای رئیس جمهور
با توجه به مسوولیتی که اینجانب بعنوان عضو اصلی انجمن نظارت مرکزی انتخابات تهران بر عهده دارم، اجرای صحیح انتخابات اولین دوره مجلس شورایملی جمهوری اسلامی و تأسیس نهاد قانون گذاری بر مبنای صحت و سلامت کامل و نامکس اراده کلیه مردم، به عنوان یک وظیفه اسلامی و انسانی و ملی و انقلابی تلقی می کنم و بر ساقه این وظیفه و مسوولیت خطیر ملی اکنون که «ای گبری انجام گرفته است وظیفه خود می دانم که جریانات ناسالم و مداخلات ملنی و انتحاری را که در جریان رای گیری بوسیله گروهها و افراد به انواع و اقسام مختلف صورت گرفته است به اطلاع شما و ملت شریف ایران برسانم. جوی که از قبل برای انجام انتخابات در جهت منافع گروههای انحصار طلب فراهم شده بود و همچنین شیوه ها و وسائل مختلفی که در ترکیب بندی و سازماندهی حوزه ها و صندوقها و مداخلات گوناگون در حین رای گیری در پیش گرفته شده بود به آنچنان نتایجی ازسوه استفاده و تجاوز انجامید که هیچ چیز غیر از ممدارک و اسناد موجود این مداخلات، نمی تواند مبین فاجعه ای باشد که بعنوان اولین انتخابات پارلمانی بحساب جمهوری اسلامی ایران و امیدهای مردم ستمدیده وطن ما گذاشته شده است.

استاد و مدارک مداخلات غیر قانونی شامل موارد گوناگونی است که ذکر جزه به جزء آن از حوصله این شکوائیه بیرون است، - مخفی نبودن رای گیری در اکثر حوزه ها - نوشتن رای برای بیسوادان از طرف افراد خاصی که حتی با کارت رسمی وجاب شده مامور بودند. - تعطیل کردن حوزه های انتخاباتی. - انتقال صندوقهای رای از محل رای گیری حتی در جاهای ازمواده به خانه های شخصی. - پخش صورت کاندیدهای مشترک با قسمتی از پیام امام. - تعرفه های فاقد شماره مسلسل. - ضرب و جرح افرادی که اعتراض می کردند و دستگیری آنها حتی در مورد بازرسان رسمی وزارت کشور.

هدف تغییر ناپذیر...

شده، نتیجه - چه خواسته و چه ناخواسته - آن خواهد بود که بر زمینه ساعدی، امپریالیسم آمریکا، ده چندان، صد چندان بر کوشش خود برای شکستن انقلاب ایران بیفزاید.

در هر حال خطر اقدامات همه جانبه امپریالیسم آمریکا جهت تجدید سلطه خود بر ایران مشهود است و گرچه تصمیم انقلابی مردم به تأمین پیروزی «انقلاب دوم» (فدائیمریالیستی) که بزرگتر از انقلاب اول (سقوط رژیم سلطنت استبدادی) است، هنوز یاقی است، ولی مسوولیت عهده حفظ و تأمین پیروزی نهایی انقلاب، در حال حاضر بطور عمده بر عهده ریاست جمهوری و شورای انقلاب است. این پیروزی تنها با قاطعیت رزمنده بر ضد امپریالیسم آمریکا تأمین شدنی است. هر شیوه دیگری برای رام کردن پلنگ درنده آمریکا بکار برده شود، محکوم به شکست است. این تجربه ای است که هم در کشور خود ما و هم در تمام دیگر کشورهای که جنبش های پیروزند انقلابی دچار شکست شده اند، آزموده شده است:

ما هشدار میدهم که این آزموده را مجدداً نباید آزمود. آزمودن مجدد آن آزموده میتواند به فروختن آتش ضدانقلاب منجر گردد که در آن خشک و تر با هم خواهند سوخت.

بقیه از صفحه ۱

دگرگوگان» در آمده اند. خود آقای کارتر میگوید که این واقعه اورا خصمی نکرده و شبها بیدار نمی ماند. کارترها، حاضرند چهل و چند هزار آمریکایی را هم با یک اشاره انگشت به سلاح خانه بفرستند و شبها راحت بخوابند به شرط آنکه گوشه ای از این جهان را زیر سلطه امپریالیسم غارتگر آمریکا در آورند.

پس سیاست آمریکا و «برنامه های» او نسبت به ایران تغییر نکرده است. آنچه تغییر کرده است، میزان امید آمریکا به کاربرد این سیاست و «برنامه ها» است که افزایش یافته و این افزایش امید باعث تجمی امپریالیسم آمریکا در تشدید کوشش خود برای شکستن انقلاب ایران شده است.

امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی انقلاب ما، کشور ما، خلق ما و همه دیگر خلقهای جهان است. این واقعیت است و هر گاه به نحوی از انحاء نظر و شور و کوشش انقلابی مردم ما از این واقعیت منحرف شود، به شکلی از اشکال مبارزه علیه این دشمن غدار سست شود، از قاطعیت برای قطع رشته های وابستگی به این شیطان بزرگ در تمام مردم های اقتصادی، سیاسی، نظامی، فرهنگی و دیگر رشته ها کاسته

ببرک کارمل: امپریالیسم بمجرد اینکه حس کردنیخواهد توانست مارا خفه کند، به حکم طبیعت خود کوشید مارا از دوستانمان جدا سازد

ببرک کارمل دبیرکل کمیته مرکزی حزب دمکراتیک خلق افغانستان و صدراعظم و نخست وزیر افغانستان طی مصاحبه‌ای با خبرنگار مجله مسائل صلح و سوسیالیسم اظهار داشت:

«اتحاد شوروی به ما کمک میکند تا از راه برگزیده خود دفاع کنیم. جنگی که ما افغانستان انجام میدهم و آنرا تهنیت‌کاران امپریالیسم و پکن‌ها تحویل گرفته‌اند، جنگی عادلانه است. از اینرو کشورهای «دنیای سوم» کشورهای غیر متضد و ممالک اسلامی باید از ما پشتیبانی کنند. ولی همین خصومت یکبار آزادیبخش ما، انقلاب ما، به انضمام آنتی سوسیالیسم دشمنان ما، امپریالیسم را برمی‌انگیزد که قبل از همه رژیمهای ارتجاعی مثل مصر، عربستان سعودی، پاکستان و غیره را علیه ما و اتحاد شوروی تحریک و تشویق کند. امپریالیسم بمجرد اینکه حس کرد نخواهد توانست ما را خفه کند، به حکم طبیعت خود کوشید ما را از دوستانمان جدا سازد. ما به کنفرانس کشورهای اسلامی در اسلام‌آباد، در واقع در تحقق همین، بعقیده ما، قانع نشدیم، سئوگیم.»

ببرک کارمل چنین ادامه داد: «چنانکه میدانیم بعضی از اعضاء آن کوشیدند موضوع را چنان جلوه دهند که گویا اتحاد شوروی و آمریکا به یک اندازه کشورهای اسلامی را تهدید میکنند. این نظریه و تلاش برای اشتغال یک‌بند سازی بین «دنیای سوم» و امپریالیسم در قطب‌نامه نهایی کنفرانس بازتاب یافته است. ولی

چگونه میتوان تاکنون در برابر این موضوع چشم برهم نهاد که در دنیا سزوات شدیدی بین نیروهای انقلابی و مترقی و نیروهای ارتجاع و امپریالیسم جریان دارد که در سرکوش کشورهای غیر-متضد از جمله اسلامی مستقیماً تأثیر میبخشد. اشتغال موقیعت یک ناظر بیطرف در این مبارزه تنها به امپریالیست‌ها کمک میکند که نظر اینگونه دول اسلامی را از خطریکه توطئه تنگین سادات و بگین و ادعای کارت در پیبرد منافع حیاتی ویژه آمریکا در منطقه اقیانوس هند و خلیج فارس و خطل به اصطلاح دفاع از آنها به نیروی نظامی، تهدیدشان میکنند، منحرف سازند. ما یقین داریم که اگر حوادث افغانستان بوقوع نمی‌پیوست، به‌رحال پهنای برای بوخاست کشاندن اوضاع جهان و توطئه صف‌آرایی علیه اتحاد شوروی پیدا میکردند. مثلاً حوادث ایران میانست پهنای قرار گیرد. و هم‌اکنون آنرا از خطر موهم شوروی می‌ترسانند و علیه افغانستان برمی‌انگیزند و یا اوضاع جنوب خاوری آسیا و یا جای دیگر پهنای میشود.»

ببرک کارمل سید گفت: «باید سریعاً گفت که ما افغانستان از موقعیت برخی از نیروهای مترقی منافع کارگران در عرصه بین‌المللی سر درمی‌آوریم. در واقع ادعا میشود که اقدام اتحاد شوروی، که بنا به تقاضای ما انجام گرفته، گویا اصول همنیستی-مسالمت‌آمیز را، که جزء لاینفک بهترین سنن جنبش کارگری جهانی است، نقض میکند. ما اطمینان کامل داریم که در نتیجه تلاشها و همبستگی تمام نیروهای انقلابی ما، پرده‌ها پس زده خواهد شد و گمراهان به اهمیت واقعی حوادث افغانستان و کمک شوروی بی خواهند برد.»

اعلامیه مشترک هیئت‌های نمایندگی اتحاد شوروی و نیکاراگوئه: اتحاد شوروی و نیکاراگوئه همبستگی خود را، با خلق ایران در مبارزه برای استقلال سیاسی و اقتصادی کشور اعلام میکنند

خود در آورند، محکوم میکنند. دو کشور پایان دادن به مسأله تسلیحاتی را وظیفه می‌رود خود تلقی می‌کنند و از اندیشه ایجاد مناطق عاری از سلاحهای هسته‌ای در نقاط مختلف جهان حمایت میکنند.

اتحاد شوروی و نیکاراگوئه قاطعانه سیاست امپریالیستی مداخله در امور داخلی خلقهای آمریکای لاتین را محکوم و ردیکفایتوری فاشیستی شیلی را قبیح میکنند.

دو کشور جنبش عدم تمهد را عامل مهم دهمبارزه برای آزادی و استقلال خلقها میدانند و در مورد اوضاع خاورمیانه جدا ابراز نگرانی میکنند.

دو کشور قاطعانه مبارزه‌ای را که نیروهای امپریالیستی و ارتجاعی در ارتباط با پرونده‌های افغانستان برای افزایش تشنج جهانی براه انداخته‌اند، محکوم و اعلام میکنند که هدف مبارزه، خرابکاری در حق نقش تأیید خلق جمهوری دمکراتیک افغانستان و دیگر خلقها برای حرکت در مسیر دگرگونی‌های ترقیخواهانه است.

دو کشور همبستگی خود را با خلق ایران در مبارزه برای استقلال سیاسی و اقتصادی کشور اعلام میکنند.

دو کشور خواستار قطع مداخلات در امور داخلی کامبوچیا، لائوس و ویتنام هستند.

در پهنای اضافه شده است که نیکاراگوئه و اتحاد شوروی در زمینه‌های اقتصادی و فنی همکاریهای نزدیکی را آغاز خواهند کرد. همچنین در جریان دیدار هیئت بلندپایه نیکاراگوئه از اتحاد شوروی، موافقت‌نامه‌هایی در زمینه همکاری میان حزب کمونیست اتحاد شوروی و جبهه آزادیبخش ساندی تیست امضاء شد.

همانطور که در نامه مردم به اطلاع خوانندگان رسید، یک هیئت برجسته دولت انقلابی و جبهه آزادیبخش ساندی تیست نیکاراگوئه اخیراً از اتحاد شوروی دیدن کرد. در پایان دیدار این هیئت، اعلامیه مشترکی از سوی دو طرف منتشر شد که در زیر می‌خوانید:

یک هیئت دولتی و حزبی جمهوری نیکاراگوئه برهبری موزز (موسی) حسن مورا، عضو شورای رهبری حکومت بازاریابی ملی و چندتن از اعضای رهبری ملی جبهه آزادیبخش ساندی تیست، بدعوت کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و حکومت شوروی از این کشور دیدن کرد.

دو طرف از وخیم‌شدن اوضاع جهانی، که اقدامات تجاوز-کارترین نیروهای امپریالیستی و ارتجاعی عامل آن است، ابراز نگرانی نمودند و اعلام کردند که برای صلح و امنیت خلق‌ها و برای پیشبرد هر چه بیشتر تشنج‌زدائی و تشنج‌زدائی نظامی، مبارزه خواهند کرد.

دو طرف بر این عقیده‌اند که از میان بردن موضوع برتری-طلبی در روابط بین‌المللی مهمترین مستحکمی مبارزه برای تحکیم صلح و امنیت بین‌المللی است.

دو کشور تلاشهای پادهای از کشورهای که سعی دارند از طریق اعلام مناطقی از جهان بعنوان «منافع حیاتی» خود کشورهای دیگر را، با توسل به فشارهای نظامی، سیاسی و اقتصادی تحت نفوذ

جنبش ضد رژیم دست‌نشانده امریکائی السالوادور گسترش می‌یابد

اوضاع در السالوادور بر اثر اقدامهای تروریستی دارنده حاکم و گروههای ارتجاعی دست راستی، که از حمایت امپریالیسم آمریکا برخوردارند، ایجاد خطر ناگسری میکنند. سازمان‌های ترقیخواه السالوادور بمناسبت قتل اسقف اسکار آرنولفو مور و بدست‌تروییست‌های دست راستی، اعلام اعتصاب عمومی کردند و در پی این درخواست، موج اعتصاب‌های گسترده سرتاسر کشور را فراگرفته است. از سوی دیگر، ستم‌آزورینان السالوادور بعنوان اعتراض به سیاست‌های حاکم کشور مبنی بر کشتار و سرکوب مردم استیفا دادند و از کشور خارج شدند.

در دوروز گذشته حدود سی‌تن دیگری در السالوادور بوسیله مزدوران رژیم تروریستی‌های دست راستی کشته شده‌اند.

در این میان امپریالیسم آمریکا آشکارا حمایت خود را از دارنده حاکم اعلام کرده است. سخنگویان امریکایی گفتند که این کشور ظرف چند روز آینده ۱۰ میلیون دلار به رژیم السالوادور کمک خواهد کرد.

رهبران جنبش‌های انقلابی السالوادور گفتند که حدود صد کارشناس سازمان سپاه عملیات رژیم السالوادور را علیه نیروهای ترقیخواه رهبری میکنند. هدف امپریالیسم آمریکا آن است که از پیروزی انقلاب در السالوادور جلوگیری کند. گفته میشود که آمریکا برای مداخله مستقیم در السالوادور آماده میشود.



کمونیست‌های سری‌لانکا نقش شایسته‌ای در حفظ منافع خلق کشور خود بر عهده دارند

یازدهمین کنکره حزب کمونیست سری‌لانکا امروز بکار خود در کلمبو پایان میدهد. سیلوا، دبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست سری‌لانکا طرح قطب‌نامه‌های مربوط به اوضاع سیاسی در کشور و اوضاع کنونی جهان را برای بحث تقدیم نمایندگان کرد.

در این کنکره هیات‌های نمایندگی احزاب کمونیست و کارگری خارجی نیز شرکت دارند. حزب کمونیست اتحاد شوروی در پیام خود به این کنکره اعلام کرده که کمونیست‌های سری‌لانکا نقش شایسته‌ای در حفظ منافع خلق کشور خود بر عهده دارند.

خلق فلسطین زیر بار سازشهای جنایتکارانه کمپ دیوید نخواهد رفت

در پی مذاکرات میان نمایندگان رژیم خائن سادات و صهیونیست‌های اسرائیلی و امریکادر شهر اسکندریه در باره باصلاح خود مختاری در کرانه غربی رود اردن و نوار غزه، رسانه‌های گروهی امپریالیستی باوق و کرنا اعلام میکنند که گویا برای ابراز اختلاف نظر میان رژیم مصر و اسرائیل این مذاکرات با شکست روبرو شده است. مصر نیز همین باطیل را تکرار کرده و ساوات‌خائین را تهرمان (۱) استیغای حقوق فلسطینی‌ها چامیزند.

واقیعت آن است که این باصلاح مذاکرات بدین علت با نیت سرور و شکست خلق فلسطین نشان داد بهیچ وجه زیر بار سازشهای جنایتکارانه کمپ دیوید نخواهد رفت و هیچ کس نمیتواند راه حلی بر این خلق تحمیل کند که برخلاف منافع وی باشد.

جنگ در چاد همچنان ادامه دارد

گزارشهای رسیده حاکی است که پایتخت چاد در این جنگ میان گروه‌های رقیب بصورت ویرانه‌ای درآمده است. بر اثر این جنگ هزارها تن کشته و مجروح شده‌اند.

مقامهای فرانسوی ادعا میکنند که نیروهای اشغالی این کشور در چاد در درگیری‌ها شرکت ندارند!

حزب سوسیالیست کارگری مجارستان به آینده کاملاً اطمینان دارد

دوازدهمین کنکره حزب سوسیالیست کارگری مجارستان بکار خود پایان داد. در این کنکره یا نوش کادار بادیگر به دبیر اول کمیته مرکزی حزب انتخاب شد.

کادار در نطق خود در آخرین روز کنکره گفت که هدف کمونیست‌های مجارستان ارتقاء هر چه بیشتر مجارستان سوسیالیستی است و حزب به آینده کاملاً اطمینان دارد. چیران کنکره کمونیست‌های مجارستان نشان داد که حزب به پشتیبانی تمام خلق متکی است.

کادار از سوی دیگر اعلام کرد که مجارستان در راه تحقق صلح و تشنج‌زدایی و تحکیم روابط با اتحاد شوروی و اردوگاه سوسیالیستی تلاش می‌کند.

لئونید برژنف، رهبر اتحاد شوروی، در پیامی بمناسبت انتخاب مجدد یا نوش کادار پیام آورنده همکاری دو کشور بر اساس اراده خلق و احزاب کمونیست اتحاد شوروی و مجارستان گسترش می‌یابد.

یاسر عرفات: اعراب با سلاحهای شوروی است که میتوانند با اسرائیل روبرو شوند

یاسر عرفات، رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین، در مصاحبه با یک روزنامه اطریشی گفت که همه بخوبی میدانند من یک کمونیست نیستم. اما سازمان آزادیبخش فلسطین با کشورهای سوسیالیستی رابطه حسنه دارد.

عرفات گفت که کشورهای سوسیالیستی از مبارزه خلقهای عرب قاطعانه حمایت می‌کنند و دوست اعراب هستند. وی تأکید کرد که آمریکا به صهیونیست‌های اسرائیل اسلحه میدهد و اعراب با سلاحهای شوروی است که میتوانند با اسرائیل روبرو شوند.

عرفات اضافه کرد که «با امام خمینی و مردم ایران گرمترین رابطه را داریم و انقلاب ایران را که به سلطه امپریالیسم پایان می‌دهد، یک انقلاب واقعی میدانیم.»

از سوی دیگر یاسر عرفات مذاکرات خود را با رهبران هند در دلهی تو درباره مسایل مختلف جهانی آغاز کرد.

چین رزمندگان صحارا را «خوابکار» می‌نامد

«چین موشوآ، نایب نخست‌وزیر چین، که از غرب دیدن میکند، بی‌شمارانه رزمندگان صحارا را «خوابکار» خواند و گفت: «مقرب در صحرا غریبی با عده‌ای خوابکار روبرو است و جنگ به جبهه پولیساریو بمنزله نبرد یا خوابکاری در سرتاسر آفریقا است.»

«چین» گفت: «سرفخ جنگ پولیساریو در دست رژیم‌های ارتجاعی لیبی، کوبا و ویتنام است.»

«چین» بپیشمی را بحد کمال رساند و اضافه کرد، اقدام منحرف مردم در مورد کمک به رژیم رژیم اقدامی درست بوده است. (چین در اینجا به اصطلاح کمک رژیم مزدور مغرب به موهوتو در سرکوب قیام خلق شایا اشاره میکرد و همه میدانند که امپریالیست‌های آمریکایی و فرانسوی در این باصلاح کمک چه نقش بزرگی داشتند.)

سخنان «چین» آنتی‌ان با شور و شفت در محافل امپریالیستی روبرو شد که خبرگزاری‌های امپریالیستی و صهیونیستی با آب و تاب فراوان این نطق را به سرتاسر جهان مخابره کردند.

«چین» البته مطابق معمول رهبران ماوئیست‌های چین باطیلی نیز درباره تهدید مشترک شوروی و ویتنام در آسیا ابراز داشت و غرب را تشویق کرد که خرچه بیشتر خود را مسلح کند. این خبرگزاری‌ها البته در همان روز خبر دیگری، که ظاهرأ با سخنان «چین» ارتباطی نداشت، اما در واقع با این اظهارات بی‌ارتباط نبود، مخابره کردند. خبر این است: امریکاعلاوه بر بمب افکن‌های مدرن موشک‌های جدید نیز بمنبر تحویل خواهد داد!

برای شهیدان حزب و جنبش

«مردم» در نظر دارد عکس‌های راه‌آرمان‌های ملی و میهنی و انسانی تمام مبارزانی را که در دوران سلطنت خود بشهادت رسیده‌اند، جمع‌آوری نکند و متفرخندان پهلوی در کند. از همه میهن‌دوستان آزادی-باسباس - نامه مردم»

کمالی قاتل و شکنجه‌گر ساواک در چنگال عدالت انقلابی گرفتار آمد

بنیانگذار گروه مهدویون را نام برد.

ضمناً کمالی شخصاً نماینده امام خمینی در عربستان، آیت‌الله فضل‌الله محلاتی، را شکنجه کرده است.

اکنون این جلااد ساواک در چنگال عدالت انقلابی گرفتار آمده است. هزاران خانواده ایرانی که فرزندان شان زیر شکنجه‌های بی‌امان این شخص جان دادند، ناص‌الضو شدند و ماها زیر شکنجه‌های سیت‌های ابدایی قرار گرفتند، اکنون منتظرند تا دادگاه‌های انقلاب، گوشه‌های اعدالت تاریخ را به اجرا در آورند. این مساله بویژه از آن جهت مورد توجه خاص است که ساواک در ایران قرارداد کرده که کمالی نه‌یک عامل بی‌اراده، یک مامور جزء یامهره‌ای ناچیز در در خدمت یک مکانیسم فاسد، بلکه خود یکی از جلوه‌های بارز، یکی از دست‌اندرکاران بنام و از سر-سپردگان جنایتکار رژیم سابق است.

کمالی جلااد و شکنجه‌گر معروف ساواک منحل در اسفند ماه گذشته در تهران دستگیر شد.

کمالی که به لقب دکتر (۱) داده بود، از سال ۳۲ در شکنجه‌گاه‌های قزل‌قلعه، اوین، کمیته و... بطور فعال و پیگیر دربارتجویز، شکنجه و کشتار مبارزان و زندانیان سیاسی رژیم پهلوی شرکت داشت. کمالی از سال ۳۸ بطور حرفه‌ای، به‌تایه در زخم ساواک در بازداشتگاه‌های رژیم انجام وظیفه (۱) می‌کرد.

از جمله جنایات این فرد خون‌آشام، شکنجه و منه‌هادت رساندن خلیل رفیعی طاجیک (مجاهد) دانشجوی دانشکده صنعتی شریف در سال ۱۳۵۱ در کمیته مشترک ساواک - شهر بان است.

از میان هزاران رزمنده انقلابی، که بوسیله کمالی شکنجه شدند، میتوان برادران رضایی-های شهید، شهید حنیف نژاد و شریف در سال ۱۳۵۱ در کمیته مشترک ساواک - شهر بان است.

از میان هزاران رزمنده انقلابی، که بوسیله کمالی شکنجه شدند، میتوان برادران رضایی-های شهید، شهید حنیف نژاد و شریف در سال ۱۳۵۱ در کمیته مشترک ساواک - شهر بان است.

و شهید مهدی امیرشاه گوهی

توجه!

جلسات «پرسش و پاسخ»، ساعت ۳ تا ۵ به‌دواز ظهر در دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران تشکیل میشود.

توضیح

اداره کل ارشاد ملی استان مازندران، فتوکپی نامه اداره کل کار و امور اجتماعی مازندران (قائم‌شهر) در توضیح مطلب مندرج شماره ۱۱۳ «نامه مردم» تحت عنوان (اعتراض کارگران در معدن زغال‌سنگ دستک درگاه آمل) را به دفتر «نامه مردم» ارسال داشته و خواستار چاپ آن شده است. در نامه اداره کل مازندران تصریح شده که نتیجه تحقیقات بازرسان کارستان در رابطه با عدم رعایت پاره‌ای از مواد قانون کار (پرداخت کمک هزینه مسکن، خواربار، عائله‌مندی و...) نشان می‌دهد که اقدامات لازم جهت رفع نواقص و اجرای ضوابط قانونی بعمل آمده است.

در ادامه نامه گفته شده است که چون بموجب گزارش بازرسان کارگری از توتل‌های استخراج معدن مذکور خطر ناسک تشخیص داده شد، از ادامه کار این توتل جلوگیری بعمل آمده است.

نامه مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی

خیابان ۶ آذر شماره ۶۸، تلفن: ۹۳۵۷۲۸-۹۳۳۳۴۵۹، چاپ، کویان

MARDOM

No. 199

29 March 1980

Price:

West - Germany 0.80 DM

France 2 fr

Austria 8 Sch.

England 20 P.

Belgium 10 fr.

Italy 350 L.

USA 50 Cts.

Sweden 1.50 Skr.

لیست ساواکی‌ها را منتشر کنید!